

# عادلان اجتماع در کلام و سیرت ائمه هدی

یاسر جهانی پور

## مقدمه

عدالت از رسالتهای اصلی تمام پیامبران الهی و از آرمانهای همه انسانها در طول حیاتشان است. عدالت از جمله اموری است که خوبی آن به وسیله عقل، قابل تشخیص است و اجرای آن تابع شرط و مصلحت نیست و خود بالاترین مصلحتهاست؛ به همین علت است که عدالت، دوست و دشمن و مؤمن و کافر نمی‌شناسد و همه را به یک چشم می‌نگرد. اینجاست که خداوند در قرآن

می‌فرماید: ﴿لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلٰٓى اَلَّا تَعْدِلُوْا اَعْدِلُوْا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰى﴾؛<sup>۱</sup> «مبادا دشمنی با قومی شما را وادارد که عدالت نورزید، به عدالت رفتار کنید که به تقوا نزدیک‌تر است». عدالت، محوری‌ترین، استوارترین، بنیادی‌ترین و شامل‌ترین مسأله سیاست و حکومت علوی است. نام مقدس امام علی علیه السلام، آن چنان با عدالت در آمیخته است که نام علی علیه السلام عدالت را تداعی می‌کند.

عدالت، همواره سرمشقی مهم در زندگی امیرمؤمنان علیه السلام بود و او در راه اجرای عدالت و گسترش قسط، شهد شهادت نوشید.

تأکید بر این نکته، از آن روست که بگوییم حکومتی می‌تواند ادعا کند از امام علی علیه السلام الگو گرفته است و سنت‌شناسانه به سیره آن بزرگوار اقتدا می‌کند که سردمداران آن، به عدالت، بیش از هر چیز، اهمیت دهند و برای گسترش، توسعه و همه‌گیر ساختن آن، از هیچ کوششی دریغ نوزند؛ نه در بیان و کلام؛ بلکه در عمل، کردار و تعامل با مردم.

تأمل در کلام حضرت علی علیه السلام جایگاه عدالت را بیش از پیش در اذهان روشن خواهد کرد. فردی از آن جناب پرسید: «أَيُّهُمَا أَفْضَلُ؟ أَلْعَدْلُ أَوْ الْجُودُ؟» آیا عدالت، [شریف‌تر و] بالاتر است یا بخشندگی؟ در واقع،

پرسشگر از دو صفت والای انسانی پرسیده است که تنها در انسانهای متعالی وجود دارد. بشر، همواره از ستم، گریزان بوده و احسان به دیگران را در حق خویش، تحسین کرده و ستوده است. پاسخ پرسش بالا شاید در وهله اول، خیلی آسان به نظر برسد. جود و بخشندگی از عدالت بالاتر است؛ زیرا عدالت، رعایت حقوق دیگران و تجاوز نکردن به حدود و حقوق آنهاست؛ اما جود، این است که آدمی بیا دست خود، حقوق مسلم خود را نثار غیر می‌کند. فردی که با عدالت رفتار می‌کند به حقوق دیگران تجاوز نمی‌کند و یا حافظ حقوق دیگران است؛ اما آنکه جود می‌کند فداکاری می‌کند، و حق مسلم خود را به دیگری واگذار می‌کند. پس جود بالاتر است؛ ولی حضرت علی علیه السلام به دو دلیل می‌فرماید که عدل از جود بالاتر است؛ نخست اینکه: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا وَالْجُودُ يُخْرِجُهَا عَنْ جِهَتِهَا؛

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، دارالاحیاء التراث.

واژه، یکی از مفاهیم مبهم در عرصه مطالعات علوم اجتماعی و انسانی است؛ زیرا هم می‌توان حوزه اجتماع را در عرض حوزه‌های سیاست، اقتصاد و فرهنگ قرار داد و هم می‌توان آن را - با توجه به پیچیدگی امور جامعه - مجموعه‌ای گسترده‌تر از موارد مذکور و شامل عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی قلمداد کرد. امروزه غالباً وقتی سخن از عدالت به میان می‌آید، بعد اجتماعی آن مد نظر است؛ زیرا عدالت در هیچ‌یک از مفاهیم و عناوین خود به گستردگی و اهمیت عدالت اجتماعی به معنای دوم که شامل عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می‌شود، نخواهد بود.

عدالت از نگاه شهید مطهری علیه السلام به معنای دقیق کلمه در عرصه اجتماعی آن مطرح است. او می‌گوید: عدالت در مفهوم وسیعش، عبارت است از: دادن حق صاحبان استحقاق بدون هیچ تبعیضی به آنها. اگر حق هیچ صاحب حقی ادا نشود، برخلاف

عدل، امور [و جریانها] را در مسیر [مجرای طبیعی] خود قرار می‌دهد؛ اما جود، آنها را از مجرای [طبیعی] خود خارج می‌سازد.

دیگر اینکه می‌فرماید: «الْعَدْلُ سَائِسُ عَامٍ وَالْجُودُ عَارِضٌ خَاصٌّ؛ عدالت، قانونی است عام [که همه اجتماع را در برمی‌گیرد]؛ اما بخشش، یک حالت عارضی و خاص است» که اگر جنبه قانونی و عمومی پیدا کند و کلیت یابد، دیگر جود نیست.

حضرت علی علیه السلام آن‌گاه نتیجه می‌گیرد: «فَالْعَدْلُ أَشْرَفُهُمَا وَ أَفْضَلُهُمَا؛ پس از میان آن دو (عدالت و جود)، عدالت، اشرف و افضل است.

آن اصلی که می‌تواند تعادل اجتماع را حفظ کند و به پیکر اجتماع، سلامت و به روح اجتماع، آرامش بدهد؛ عدالت است.

#### تعریف عدالت اجتماعی

با آنکه امروزه از عدالت اجتماعی، بسیار سخن گفته می‌شود؛ اما این

امام علیه السلام فرمود: «لَوْ لَأَ حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ، وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا يَتَرَوْا عَلَى كَيْفَةِ ظَالِمٍ وَ لَا سَقَبَ مَظْلُومٍ، لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا، وَ لَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوْلِيَّهَا»<sup>۱</sup> اگر حضور [فراوان] بیعت کنندگان نبود و یاران حجت را بر من تمام نمی‌کردند و اگر خداوند از علماء عهد و پیمان نگرفته بود که در برابر شکم بارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بسر کوهان آن انداخته [رهایش می‌کردم] و آخر خلافت را به کاسه اول آن سیراب می‌ساختم.»

آن حضرت نقش عدالت را چنین بیان کرده است: «جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْعَدْلَ قِيَامًا لِلْأَنَامِ وَ تَنْزِيهَا مِنَ الْمَظَالِمِ وَ الْأَنَامِ وَ تَسْنِيَةً لِلْإِسْلَامِ»<sup>۲</sup> خدای سبحان عدالت

۲. نهج البلاغه، شرح محمد عبده، دار الذخائر، قم، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۳۶، خطبه سوم (خطبه شقشقیه).

۳. غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد الآمدی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۳۵.

عدالت است؛ همچنان که اگر تبعیض باشد و حق بعضی داده شود و حق بعضی دیگر داده نشود، باز بر خلاف عدالت است. عدالت از این منظر، ملازم با مساوات است؛ یعنی به همه به چشم مساوی نگریستن و تبعیض قائل نشدن. لازمه این گونه مساوات، عدالت است؛ یعنی اینکه به هر کسی طبق استحقاقش داده شود؛ اگر زیاد استحقاق دارد، زیاد داده شود و اگر کم استحقاق دارد، کم داده شود و در این جهت تبعیضی صورت نگیرد.<sup>۱</sup> بنابراین تعابیر، عدالت اجتماعی در واقع، ارزشی است که با رعایت آن، هر کس در جامعه به حق شایسته خویش می‌رسد.

**عدالت اجتماعی در گفتار امیرمؤمنان علیه السلام**

امیرمؤمنان علیه السلام حکومت را برای تحقق عدالت پذیرفت و آن را جز در این مسیر نمی‌خواست.

۱. مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، ۱۳۷۲ش، ج ۶، ص ۲۶ و ۴۷.

«عَدْلُ السُّلْطَانِ حَيَاةُ الرَّعِيَّةِ وَصَلَاحُ  
الْبَرِيَّةِ؛<sup>۱</sup> عدالت زمامدار، حیات مردمان  
و مایه صلاح [احوال] خلق است.»

امیرمؤمنان علیه السلام در راه تحقق این  
هدف والا، همه سختیها و مخالفتها را  
به جان خرید و در همین راه به  
شهادت رسید که درباره اش گفته اند:  
«قُتِلَ فِي مِحْرَابِهِ لِشِدَّةِ عَدْلِهِ؛<sup>۲</sup> او در  
محراب عبادت خویش به سبب  
شدت عدالتش کشته شد.»

در ادامه، بخشهایی از کلام ایشان  
را که روشنگر ابعاد مختلف مهم ترین  
رکن عدالت (عدالت اجتماعی) است  
بیان می کنیم.

الف. رعایت انصاف با بندگان خدا

حضرت علی علیه السلام در فرمان خود  
به مالک اشتر چنین فرمود: «نَصِيفِ اللّٰهَ  
وَ نَصِيفِ النَّاسِ مِنْ نَفْسِكَ وَ مِنْ خَاصَّةِ  
أَهْلِكَ وَ مَنْ لَكَ فِيهِ هَوًى مِنْ رَعِيَّتِكَ  
فَأِنَّكَ إِلَّا تَفْعَلْ تَظْلِمٌ وَ مَنْ ظَلَمَ عِبَادَ اللّٰهِ

را مایه برپایی انسانها [و ستون  
زندگانی آنها] و سبب پاکی از  
ستمکاریها و گناهان و روشنی چراغ  
اسلام قرار داده است.» و نیز فرموده  
است: «بِالْعَدْلِ تَصْلَحُ الرَّعِيَّةُ؛<sup>۱</sup> با عدالت  
رعیت اصلاح می شوند.»

در واقع، جامعه ای که عدالت در  
آن برپا نیست، فاقد حیات انسانی و  
زندگانی معنوی است و دیانتی که در  
آن اهتمام به برقراری عدالت نیست،  
مایه گمراهی است و حکومتی که  
عدالت، هدف آن نیست و در راه  
برقراری عدالتی همه جانبه و فراگیر  
گام نمی زند، در مسیر هلاکت است؛  
زیرا اصلاح دین و دنیای مردمان به  
وسیله عدالت، ممکن است.

در سخنان علی علیه السلام چنین وارد  
شده است:

«الْعَدْلُ حَيَاةٌ؛<sup>۲</sup> عدالت زندگی است.»  
«الْعَدْلُ حَيَاةُ الْأَحْكَامِ؛<sup>۳</sup> عدالت حیات

احکام [دین] است.»

۱. همان، ص ۱۰۴.

۲. همان، ج ۴، ص ۲۶۲.

۳. بیست گفتار، ص ۳.

۱. همان، ص ۲۹۲.

۲. همان، ج ۱، ص ۶۴.

كَانَ اللَّهُ خَصْمَهُ ذُونَ عِبَادِهِ وَمَنْ خَاصَمَهُ  
 اللَّهُ أَذْخَصَ حُجَّتَهُ وَكَانَ لِلَّهِ حَرْباً حَتَّى  
 يَنْزِعَ أَوْ يُتُوبَ وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَدْعَى إِلَى  
 تَغْيِيرِ نِعْمَةِ اللَّهِ وَ تَعْجِيلِ نِقْمَتِهِ مِنْ إِقَامَةِ  
 عَلَى ظَلَمٍ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ ذَعْوَةَ الْمُضْطَّهِدِينَ  
 وَ هُوَ لِلظَّالِمِينَ بِالْمِرْصَادِ؛<sup>۱</sup> نسبت به  
 خداوند و نسبت به مردم از جانب  
 خود، و از جانب افراد خاص  
 خاندانت، و از جانب رعایایی که به  
 آنها علاقه‌مندی انصاف به خرج ده  
 که اگر چنین نکنی، ستم کرده‌ای! و  
 کسی که به بندگان خدا ستم کند،  
 خداوند پیش از بندگان، دشمن او  
 خواهد بود، و کسی که خداوند،  
 دشمن او باشد، دلپیش را باطل  
 می‌سازد و با او به جنگ می‌پردازد تا  
 دست از ظلم بردارد یا توبه کند، هیچ  
 چیز در تغییر نعمتهای خدا و تعجیل  
 انتقام و کیفرش، از اصرار بر ستم،  
 سریع‌تر [و زودرس‌تر] نیست؛ چرا که  
 خداوند، دعا و خواستهٔ مظلومان را  
 می‌شنود و در کمین ستمگران است.»

ب. ظلم نکردن به مردم

امام علی علیه السلام به استاندار فارس  
 فرمود: «استغفیل العَدْلَ وَ اخْذِرِ العَسْفَ وَ  
 الخَيْفَ فَإِنَّ العَسْفَ يَعُودُ بِالْجَلَاءِ وَ الخَيْفَ  
 يَدْعُو إِلَى السَّيْفِ؛<sup>۲</sup> عدالت را پیشه کن  
 و از تعدی و ظلم [به مردم] دوری  
 گزین؛ زیرا [تجاوز و] تعدی، سبب  
 فرار و دوری [مردم] از تو خواهد شد  
 و ستم، سبب [قیام مردم و] توسل به  
 شمشیر [علیه تو] می‌شود.»

ج. توجه به نیازمندان

خدایی که مردم را آفریده، رزق و  
 روزی همه آنها و هر موجود زنده  
 دیگر را به عهده گرفته است. خداوند  
 در این باره می‌فرماید: ﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ  
 فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا﴾؛<sup>۳</sup> هیچ  
 جنبه‌ای در زمین نیست، جز آنکه  
 رزق و روزی‌اش بر خداوند است.»  
 این روزی، در دل هستی نهفته است.  
 پس بر هر انسان، لازم است روزی و  
 سهم خود را از این گنجهای الهی، به

۲. همان، حکمت ۴۷۶.

۳. هود/۶.

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

دست آورد؛ اما فردی که موقعیتی از نظر جسمی و اجتماعی برای او فراهم نیست که بتواند کار کند و نتواند سهم و روزی خود را به طور مستقیم از گنجهای طبیعت به دست آورد، آیا باید حق او از بین برود و زندگی توأم با محرومیت داشته باشد و یا اینکه از شدت گرسنگی، جان بسپارد؟ خیر ... زیرا خداوند مَنان بر توانمندان بر کار و دارندگان ثروتهای هستی، واجب کرده است که آن ناتوان مستمند و عاجز را در به دست آوردن روزی و انجام کار کمک کنند.

خداوند در این باره می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾؛ «کسانی که در [اموال و] ثروتشان، حقی معین جهت [تأمین] درخواست کنندگان و محرومان قرار داده شده است.» پس اگر ثروتمندان از کمک و تأمین معیشت مستمندان و نیازمندان، سر باز زنند، خداوند به

این، راضی نخواهد شد، و شریعت عدالت خیز اسلام، آن را نمی‌پسندد.

امیرمؤمنان علیه السلام در این باره می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مُسَّعَ بِهِ غَنِيٌّ وَاللَّهُ تَعَالَى جَدُّهُ سَأَلْتُهُمْ عَنْ ذَلِكَ؛<sup>۱</sup> خداوند سبحان، غذا [و نیاز] فقیران را در اموال ثروتمندان معین کرده است. پس هیچ فقیری گرسنه نیست؛ مگر آنکه ثروتمندی از آن استفاده کرده باشد، و خداوند متعال در این باره از آنها خواهد پرسید.»

امام علیه السلام در نامه‌ای به «قثم بن عباس» فرماندار خود در مکه چنین نوشت: «وَ أَنْظِرْ إِلَى مَا اجْتَمَعَ عِنْدَكَ مِنْ مَالِ اللَّهِ فَاصْرِفْهُ إِلَى مَنْ قَبْلَكَ مِنْ ذِي الْعِيَالِ وَ الْمَجَاعَةِ مُصِيباً بِهٖ مَوَاضِعَ الْفَاقَةِ وَ الْخَلَّاتِ؛<sup>۲</sup> نظری افکن به مال الله که نزد تو جمع شده است. و آن را به

۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۲۸.

۳. همان، نامه ۶۷.

۱. ذاریات/۱۹.

مصرف عیالمندان و گرسنگان اطرافت  
برسان؛ به طوری که به دست فقرا و  
نیامندان برسد.»

آن حضرت در فرمان خود به  
مالک اشتر نیز چنین می‌فرماید: «اللَّهُ  
اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ  
لَهُمْ مِنَ الْمَسَاكِينِ وَالْمُحْتَاجِينَ وَ أَهْلِ  
الْبُؤْسِ وَالزَّمْنَى؛ خدا را! خدا را! خدا را!  
درباره طبقه پایین [رعایت کن]. آنها  
که راه چاره ندارند؛ یعنی مستمندان،  
نیازمندان، کسانی که دچار سختی  
شده‌اند و از کارافتادگان.»

#### د. برابری فرصتها

یکی از مهم‌ترین مسائل در عدالت  
اجتماعی، برابر کردن فرصتها برای  
همه است. به طوری که فرصت  
استفاده از امتیازات مالی و اقتصادی  
جامعه به دست گروه مشخصی قرار  
نگیرد که بر اساس رابطه با دستگاه  
حکومت و نزدیکی به شخص حاکم  
بالا آمده‌اند.

حضرت علی علیه السلام در این باره  
موضعی سرسختانه اتخاذ کرد و به  
مجرد دستیابی به خلافت، فرمود تمام  
امتیازات و اموال ناحق را از نزدیکان،  
دوستان و اقوام خلیفه سابق، خواهد  
گرفت. آن حضرت در این باره  
فرمود: «وَاللَّهِ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِ  
النِّسَاءَ وَ مَلَكَ بِهِ الْإِمَاءَ لَرَدَدْتُهُ عَلَى  
مُسْتَحِقِّهِ فَإِنَّ فِي الْقَدْلِ سَعَةً وَ مَنْ ضَاقَ  
عَلَيْهِ الْقَدْلُ فَالْجُورُ عَلَيْهِ أَضْيَقُ؛<sup>۱</sup> به خدا  
سوگند! آنچه [بیهوده] از بیت‌المال در  
کابین زنان قرار داده‌اند و یا به واسطه  
آن کنیزانی را مالک شده‌اند، اگر بیابم،  
به مستحق آن بر می‌گردانم؛ زیرا  
عدالت، گشایش می‌آورد، و آن کس  
که عدالت بر او گران آید، تحمل ظلم  
و ستم بر او گران‌تر خواهد بود.»

امام علی علیه السلام در آغاز زمامداری  
خود، تمام فرمانداران سابق را از کار  
برکنار کرد که در بین آنها معاویه،  
والی نیرومند شام بود. همچنین در

۱. همان، نامه ۵۳

۲. همان، خطبه ۱۵.



به چنین کاری دست نمی‌زنم. اگر اموال از خودم بود، به طور مساوی در میان آنها تقسیم می‌کردم تا چه رسد به اینکه این اموال، اموال خدا [و متعلق به بیت‌المال] است.»

آن امام همام حتی در برابر خواسته‌های نادرست برادر خویش، عقیل بن ابی طالب ایستادگی کرد. او نزد آن حضرت آمد تا از بیت‌المال مقدار زیادتری طلب کند؛ اما امام، درخواست برادر خود را رد کرد. امام علی علیه السلام این ماجرا را چنین تشریح فرمود:

«به خدا سوگند عقیل، برادرم را دیدم که به شدت فقیر شده بود و از من می‌خواست که یک من از گندمهای شما را به او ببخشم. کودکانش را دیدم که از گرسنگی موهایشان ژولیده و رنگشان بر اثر فقر دگرگون شده، گویا صورتشان با نیل رنگ شده بود. عقیل اصرار کرد و چند بار خواسته خود را تکرار کرد. من به او گوش فرا دادم. خیال کرد

مقابل خواسته‌های نامشروع طلحه و زبیر برای به دست آوردن مقام در حکومت، به خاطر بی‌کفایتی آنها برای احراز این پستها، سرسختانه ایستادگی کرد. او در سیاست، مساوات را اجرا کرد، و در توزیع اموال میان مردم - با اینکه آنها از نظر فضیلت یکسان و در یک سطح نبودند - فرقی نگذارد. و هنگامی که از آن حضرت در این باره گلایه کردند، ایشان در مقام تشریح سیاست عادلانه خود بر آمده و فرمود: «أَتَأْمُرُونِي أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ بِالْجَوْرِ فِيمَنْ وَوَلَيْتُ عَلَيَّ وَاللَّهِ لَا أَطُورُ بِهِ مَا سَمَرَ سَمِيرٌ وَمَا أُمَّ نَجْمٌ فِي السَّمَاءِ نَجْمًا لَوْ كَانَ الْمَالُ لِي لَسَوَّيْتُ بَيْنَهُمْ فَكَيْفَ وَ إِنَّمَا الْمَالُ مَالُ اللَّهِ! آیا به من دستور می‌دهید که برای پیروزی خود از جور و ستم، در حق کسانی که بر آنها حکومت می‌کنم، استمداد جویم؟! به خدا سوگند تا عمر من باقی [، و شب و روز برقرار]، و ستارگان آسمان در پی هم طلوع و غروب می‌کنند هرگز

دینم را به او می‌فروشم، و به دلخواه او قدم برمی‌دارم و از راه و رسم خویش دست می‌کشم (اما من برای بیداری و هشدار می‌آهنگی را در آتش گذاختم. سپس آن را به بدنش نزدیک ساختم تا با حرارت آن، عبرت گیرد. ناله‌ای سرداد همچون بیماری که از شدت درد می‌نالند و چیزی نمانده بود که از حرارت آن بسوزد. به او گفتم: هان ای عقیل! زنان سوگمند در سوگ تو بگریزند. از آهن تفتیده‌ای ناله می‌کنی که انسانی آن را به صورت بازیچه سرخ کرده است؛ اما مرا به سوی آتشی می‌کشانی که خداوند جبار آن را با شعله خشم و غضبش برافروخته است. تو از این رنج می‌نالی و من از آتش سوزان نالان نشوم<sup>۱</sup>.

فرصت برابر یعنی همین که فرد در اجرای عدالت بین خود و خانواده و آشنا و غریبه فرقی نگذارد.

هـ. اجرای قانون برای همه نباید قانون، فقط برای مستضعفان، اجرا شود؛ ولی صاحبان مقام و ثروت، در مقابل آن مصونیت داشته باشند. امام علی علیه السلام با این شیوه از ظلم و ستم قاطعانه مبارزه کرد و در این باره فرمود: «الذَّالِلُ عِنْدِي عَزِيزٌ حَتَّىٰ أَخَذَ الْحَقُّ لَهٗ وَالْقَوِيُّ عِنْدِي ضَعِيفٌ حَتَّىٰ أَخَذَ الْحَقُّ مِنْهُ» [ستم‌دیدگانی که در نظرها] ذلیل و پست [هستند]، از نظر من عزیز و محترم‌اند تا حقشان را بگیرم، و نیرومندان [ستمگر] در نظر من حقیرند تا حق [دیگران] را از آنها بستانم.

در آن هنگام که یک افسر و یا درجه‌دار ارتش، از مقام خویش که او را در مقابل قانون مصون می‌داشت، سوء استفاده و مردم را تهدید می‌کرد، حضرت، این مصونیت، سوء استفاده و تهدید را حتی در کوچک‌ترین موارد از میان برداشت. آن حضرت در

۱. همان، خطبه ۲۲۲.

۲. همان، خطبه ۳۷.

مشکلات خودداری کنند و من [بدین وسیله] در برابر شما و کسانی که در پناه شما هستید از مشکلاتی که سپاهیان به وجود می آورند از خود رفع مسئولیت می کنم، (که آنها حق رساندن هیچ گونه زیان را به کسی ندارند)، جز اینکه آنها سخت گرسنه شوند و راهی برای سیر کردن خود نیابند. بنابراین، اگر کسی از آنها، چیزی را از روی ستم از افراد گرفت [وظیفه دارید] او را در برابر عملش کفر کنید. [و به شما نیز توصیه می کنم که] جلوی زیانهای بی خردان منطقه خود را نسبت به سپاهیان بگیرید و جز در آن موارد که استثنا کردم، متعرض آنان نشوید. من خود، پشت سپاه در حرکتیم. شکایات خود را پیش من آورید. در آن مواردی که آنها بر شما چیره شده اند و شما قدرت دفع آن را جز با کمک خداوند و من ندارید به من مراجعه کنید، که من به کمک خداوند، آن را تغییر

این باره، نامه ای به اهالی مسیر حرکت ارتش و سپاه نوشت و فرستاد: «أَمَا بَعْدُ فَإِنِّي قَدْ سَيَّرْتُ جُنُودًا هِيَ مَرَّةٌ بِكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَ قَدْ أَوْصَيْتُهُمْ بِمَا يَجِبُ لِلَّهِ عَلَيْهِمْ مِنْ كَفِّ الْأَذَى وَ صَرْفِ الشَّدَا وَ أَنَا أَبْرَأُ إِلَيْكُمْ وَ إِلَي دِمَّتِكُمْ مِنْ مَعْرَةِ الْجَيْشِ إِلَّا مِنْ جَوْعَةِ الْمُضْطَرِّ لَنَا يَجِدُ عَنْهَا مَذْهَبًا إِلَى شَيْبِهِ فَتَكَلَّمُوا مَنْ تَنَازَلَ مِنْهُمْ شَيْئًا ظَلَمًا عَنْ ظَلَمِهِمْ وَ كَفُّوا أَيْدِي سَفَهَائِكُمْ عَنْ مَضَارِّهِمْ وَ التَّعَرُّضِ لَهُمْ فِيمَا اسْتَنْتَيْنَاهُ مِنْهُمْ وَ أَنَا بَيْنَ أَظْهَرِ الْجَيْشِ فَارْتَقُوا إِلَيَّ مَطَالِكُمْ وَ مَا عَرَائِكُمْ مِمَّا يَغْلِبُكُمْ مِنْ أَمْرِهِمْ وَ مَا لَا تُطِيقُونَ دَفْعَهُ إِلَّا بِاللَّهِ وَ بِي فَاتَنَا أُغْيَسِرُهُ بِمَعُونَةِ اللَّهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ اما بعد! من سپاهیانی [را برای نبرد] فرستادم که با خواست خدا از [آبادیهای] شما می گذرند، و آنها را به آنچه خداوند بر آنها واجب کرده، توصیه کرده ام. [به آنان گفته ام که] از آزار مردم و ایجاد ناراحتیها و

امام علیه السلام می فرماید: «ظَلَمُ الضَّعِيفِ  
أَفْحَشُ الظُّلْمِ؛<sup>۲</sup> ستم بر ناتوان، بدترین  
ستم است.»

و نیز می فرماید: «وَيْلٌ لِمَنْ حَصَمَهُ  
الْفُقَرَاءُ وَ الْمَسَاكِينُ؛<sup>۳</sup> بدآ به حال آنکه  
فقرا و مساکین، خصم او باشند.»  
حکام و افراد جامعه باید در مقابل  
ظالم بایستند و او را بر سر جای خود  
بنشانند و حقوق مظلومان را از دست  
او بگیرند. حضرت علی علیه السلام در این  
باره می فرماید: «لَأَنْصِفَنَّ الْمَظْلُومَ مِنْ  
ظَالِمِهِ؛<sup>۴</sup> [به خدا سوگند!] داد مظلوم را  
از ظالم می گیرم.»

و نیز می فرماید: «لَنْ تُقَدَّسَ أُمَّةٌ لَّا  
يُؤْخَذُ لِالضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْقِسْوَى غَيْرَ  
مُسْتَفْتَحٍ؛<sup>۵</sup> ملتی که در آن حق ضعیف از  
زورمند با صراحت گرفته نشود،  
هرگز پاک و پاکیزه نمی شود.»

می دهم.» بدین سان امام بزرگوار در  
مقابل انحراف و تجاوز به قانون، برای  
حفظ و عظمت آن، حدی قائل  
می شود و آن را صیانت می بخشد.

و. تجاوز نکردن به حقوق دیگران

هر فردی در جامعه، کرامت و  
حقوقی دارد و تجاوز به کرامت،  
آزادی و حقوق افراد جامعه، شکلی از  
انواع ظلم به حساب می آید. خداوند  
متعال، ظالم را به این دلیل مجازات  
خواهد کرد و رنج این مجازات به  
مراتب بدتر از درد ظلمی است که به  
مظلوم رسیده است. حضرت علی علیه السلام  
در این باره می فرماید: «يَوْمَ الْمَظْلُومِ  
عَلَى الظَّالِمِ أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الظَّالِمِ عَلَى  
الْمَظْلُومِ؛<sup>۱</sup> روز [انتقام] مظلوم از ظالم،  
شدیدتر از روز [ستم کردن] ظالم بر  
مظلوم است.»

چقدر زشت و ناپسند است که  
فقرا و مستضعفان، قربانی ظلمی  
باشند که نتوانند در برابر آن مقاومت  
و از حقوق خویش دفاع کنند.

۲. همان، نامه ۳۶.

۳. همان، نامه ۲۶.

۴. همان، خطبه ۱۳۶.

۵. همان، نامه ۵۳.

۱. همان، حکمت ۲۴۱.

- عدالت اجتماعی در سیره علوی
- مهم ترین برنامه های امام علی علیه السلام
- بسرای اجرای عدالت اجتماعی را می توان به شرح ذیل دانست:
- الف. ونوس کلی اجرای عدالت
۱. پایبندی به حقوق؛<sup>۱</sup>
  ۲. توسعه آزادیهای سازنده؛<sup>۲</sup>
  ۳. مهربانی و دوستی با مردم؛<sup>۳</sup>
  ۴. ارتباط مستقیم با مردم؛<sup>۴</sup>
  ۵. تاب آوردن در دشواریهای مردم؛<sup>۵</sup>
  ۶. دوری از خشم؛<sup>۶</sup>
  ۷. پرهیز از بی جویی عیبها؛<sup>۷</sup>
  ۸. آشکار ساختن عذرها برای دفع بدگمانی؛<sup>۸</sup>
۹. کمک به ستمدیدگان؛<sup>۹</sup>
۱۰. بنیاد نهادن صندوق شکایتها؛<sup>۱۰</sup>
۱۱. بازرسی برای برچیدن ستم لشکریان؛<sup>۱۱</sup>
۱۲. کوشش برای اتحاد جامعه اسلامی؛<sup>۱۲</sup>
۱۳. اهتمام به خشنودسازی مردم؛<sup>۱۳</sup>
۱۴. توسعه آموزش و پرورش و تعلیم همگانی؛<sup>۱۴</sup>
۱۵. بازداشتن مردم از برهم زدن سنتهای پسندیده و ستیز با سنتهای ناپسند.<sup>۱۵</sup>

- 
- |  |  |
|--|--|
| ۱. همان، خطبه ۲۱۶.   | ۸. نهج البلاغه، نامه ۵۳.                                   |
| ۲. همان، خطبه ۹۷ و ۱۲۵ و نامه ۳۱.  | ۹. همان، خطبه ۳، ۳۷ و ۱۳۶.                                 |
| ۳. همان، نامه ۱۸ و ۵۳.   | ۱۰. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۷، ص ۸۷.           |
| ۴. همان، نامه ۵۰ و ۵۳ و ۶۷.  | ۱۱. نهج البلاغه، نامه ۶۰.                                  |
| ۵. غرر الحکم، ش ۷۷۲.   | ۱۲. همان، نامه ۷۸، خطبه های ۲۵، ۱۲۱، ۱۲۷، ۱۵۱ و ۱۷۶ و ۱۹۲. |
| ۶. نهج البلاغه، نامه ۷۶.   | ۱۳. همان، نامه ۵۳.   |
| ۷. دعائم الانسان، قاضی نعمان المغربي، دارالمعارف، قاهره، ۱۳۸۳ ق، ج ۱، ص ۳۳۵. | ۱۴. همان، خطبه ۳۳.   |

اصلاح محاکم و بنیانگذاری «سیستم دادرسی» می‌دانست.

او آیین دادرسی را در اسلام به وجود آورد و محکمه قضا را نظم و سر و صورت داد و ضوابط و اصولی برای آن وضع کرد که همه بی سابقه بود. در عهد او برای نخستین بار، قوانین محاکمات مدون شد و یکنواختی در محاکم اسلام به وجود آمد؛ زیرا بعضی خلفای گذشته نوشتن احکام و جمع احادیث را اجازه نمی‌دادند. همچنین در عهد علی علیه السلام اصول محاکمات به صورت علمی رواج یافت. برای مثال، او بود که مقرر کرد برای احتراز از تبانی، باید شهود از یکدیگر جدا شوند و باید برای ادای شهادت تک تک نزد قاضی حاضر شوند. آرائی که شخص علی علیه السلام صادر کرده است از بس ماهرانه و عادلانه است تا به امروز زبانزد قضات و راهنمای ایشان است.

«قضایای علی علیه السلام یعنی حکمهایی که آن حضرت صادر

ب. تعیین دستگاه قضاوت برای احقاق حق مردم (در بخش قضایی)

از عهد خلافت عثمان که کارها به دست بنی امیه افتاده بود، دستگاه دادرسی ضعیف شد و تبعیض، خویش پرستی، برتری جویی و قومیت عرب دوباره احیا شد. وقتی امیرمؤمنان، علی علیه السلام به خلافت رسید، اعاده قدرت قوانین اسلامی و کوتاه کردن دست قاضیان نادرست و بازگرداندن اموال مغضوبه بیت‌المال را وجهه همت خود قرار داد. ایشان از همان روز اول زمامداری اعلام داشت که عدالت مطلق بین همه شهروندان کشور اسلامی اعم از قرشی و غیر قرشی و عرب و عجم و سیاه و سفید و مسلم و ذمی، برنامه کار خلافت اوست و با دقت اجرا خواهد شد.

امام علی علیه السلام راه نجات مسلمانان و عظمت اسلام را در تعمیم عدالت و

۱. همان، نامه ۵۳ و خطبه ۱۶۲ و کافی، ج ۵، ص ۳۱۸.

همان گونه که شخصاً به امور شهری، قیمتها، سنگ ترازوها و پیمانہ فروشندگان غلات، کار قصابان، بقالان، خرمافروشان و پارچهفروشان و ... رسیدگی می کرد، محاکم کوفه را نیز بخصوص زیر نظر داشت و کنار دادرسان را شخصاً بازرسی می کرد.

طبقه بندی مشاغل از ابتکارات آن حضرت است و آن جناب، در آن طبقه بندی، شغل دادرسی را از مشاغل اساسی شمرده و در دستور جامع خود به مالک اشتر، صفات قاضی لایق و با ایمان و وظایف او را به صورتی بیان داشته است که تا امروز در مترقی ترین جوامع بشری، سرمشق دستگاههای عدالت است. آن حضرت در آن دستور چنین فرموده است:

«برای داوری بین مردم، کسی را انتخاب کن که شخصاً او را از بین سایر مسلمانان برتر می دانی. کسی که امور پیچیده و دشوار، او را در تنگنا نگذارد و دادخواهان و اصحاب دعوا، او را به لجاجت نکشاند و دچار

فرموده است، نام کتابهایی است که فقهای مذاهب مختلف جمع آوری کرده اند.

اقدام اساسی دیگر حضرت علی علیه السلام برای اصلاح محاکم، آموزش قضات و امتحان ایشان بود. حافظ ابونعیم اصفهانی روایت کرده است که آن حضرت، قضات را در کوفه جمع آورد و آنان را آزمود و به افرادی اجازه دادرسی داد که به پرسشهای آن حضرت، پاسخ درست دادند. این اقدام در آن زمان که هر قاضی بنا بر استنباط و درک شخصی از کتاب و سنت به صدور رأی می پرداخت، مکمل اصلاح دستگاه عدالت در عهد امیرمؤمنان علی علیه السلام بود.<sup>۱</sup>

برای حصول اطمینان از حسن جریان عدالت، امام علی علیه السلام

۱. نظرات سیاسی در نهج البلاغه، محمد حسین مشایخ، انتشارات بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۷۴ ش، ص ۵۵-۵۹.

چنان منزلت و مقامی به او بدهی که سایر خواص و نزدیکان تو در او طمع نکنند و او را تحت تأثیر قرار ندهند و در پرتو این تقرب، از کارشکنی سایر رجال دولت ایمن شود. در کار استقرار عدالت و اصلاح حال قضات به دقت نظر کن و درست بیندیش؛ زیرا این دین در دست اشرار اسیر بوده است که در آن به هوای نفس خود کار می کرده اند و آن را وسیله دنیاجویی خود ساخته بودند.<sup>۱</sup>

ج. برنامه اصلاحی کامل درباره بیت المال (در بخش اقتصادی)

پس از آنکه هدف علی علیه السلام در به دست گرفتن حکومت و اساس برنامه حکومت علی علیه السلام را دانستیم و دریافتیم که آن حضرت، تنها حرف نمی زند؛ بلکه به گفته هایش عمل می کند، اکنون به بررسی برنامه اصلاحی کامل علی علیه السلام می پردازیم که درباره بیت المال اجرا کرد.

اشتباه و لغزش نکنند. کسی که چون حق را باز شناخت، از بازگشت به آن دلتنگ نشود و نفس او به طمع نگراید و به اندیشه کوتاه و بررسی مختصر، قناعت نکند و هنگام پیدا شدن شبهه، بیش از دیگران حوصله کند و فکر به کار برد و بیش از سایر مردم، اهل استدلال و حجت باشد و هنگام مراجعه دادخواهان، دلتنگ نشود و در پژوهش مسائل، شکیبایی بیش تری به خرج دهد و در وقت صدور حکم، قاطعیت داشته باشد. باید قاضی را از بین کسانی برگزینی که تعریف و ستایش بسیار، آنها را به خودپسندی نکشاند و مغرور و فریفته نسازد و تحت تأثیر قرار ندهد.

البته چنین اشخاصی اندک اند. وقتی چنین قاضی را پیدا کردی، باید شخصا کار او را زیر نظر بگیری و از او حمایت کنی. باید با دستی گشاده به او عطا بخشی تا هیچ کمبود و بهانه ای نداشته باشد و نیازش به دیگران اندک شود. باید نزد خود

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.



معنوی آن، باعث درهم شکستن نظام حکومت و عدالت اجتماعی و به وجود آمدن هرج و مرج و تبعیضات ضد بشری و اختلافات طبقاتی می‌شود؛ از اینروست که رهبران الهی در انجام این وظیفه و مسئولیت بزرگ، سخت کوشا و جدی بوده‌اند.

پس از آنکه حضرت، در روز دوم خلافتش بر بالای منبر رفت و آن خطبه را ذکر فرمود (که در بالا به آن اشاره شد)، فردای آن روز، مردم، طبق دستور امام، بر گرفتن سهم خود نزد امام حاضر شدند. علی علیه السلام به خزانه‌دارش عیدالله بن ابی رافع فرمود: «از مهاجران آغاز کن و آنان را به حضور بطلب و به هر یک سه دینار بده. سپس انصار را به حضور بطلب و به آنان نیز هر یک سه دینار بده. پس از آنها هر یک از مردم که حاضر شدند، چه سرخ پوست باشند یا سیاه پوست به همین مقدار بده.»

سهل بن حنیف که به غلام سابقش همین مبلغ داده شده بود، به

در گفتار امام علی علیه السلام و نامه‌های نهج البلاغه، درباره بیت‌المال یک سلسله برنامه‌های کلی به چشم می‌خورد که می‌توان همه آنها را به هفت موضوع ذیل، خلاصه کرد:

۱. کوشش در آباد کردن زمینها و گسترش تولیدات اقتصادی و حفاظت جدی از آنها؛

۲. چگونگی گردآوری و نگهداری بیت‌المال؛

۳. شرایط کسانی که بیت‌المال تحت نظر آنها اداره می‌شود؛

۴. مصارف بیت‌المال؛

۵. تقسیم بیت‌المال به طور مساوی و جلوگیری از تبعیضات؛

۶. دقت در حفظ بیت‌المال و هشدار به کسانی که بیت‌المال در اختیار آنها است؛

۷. کیفر جنایتکاران به بیت‌المال. یکی از ثئون حکومت و وظایف خطیر رهبر، پاسداری از اموال عمومی و بیت‌المال است؛ زیرا خیانت به بیت‌المال علاوه بر عواقب شوم

عثمان را بیابم؛ حتی در جایی که با آن همسرانی گرفته‌اند (و آن را کابین همسران قرار داده‌اند) و یا کنیزانی خریده باشند، به صاحبشان بر می‌گردانم؛ زیرا در عدالت گشایشی است. هر کسی که عدالت او را به تنگ آورد، ستم بر او تنگ‌تر خواهد بود.<sup>۱</sup>

امیرمؤمنان علیه السلام با این بیان، در حقیقت به قانون «از کجا آورده‌ای» - اشاره می‌کند، تا در پرتو آن جلو تجاوز و حیف و میل در بیت‌المال گرفته شود.<sup>۲</sup>

د. سختگیری بر کارگزاران (در بخش اداری)

امیرمؤمنان علیه السلام در برابر فرمانداری که از راه راست تخلف می‌کردند، سختگیری بسیار و در بعضی مواقع، آنها را از سمت خود

اعتراض برخاست و گفت: «این شخص، دیروز غلام من بود و امروز او را آزاد کرده‌ام. به او برابر من، سهم می‌دهی؟» علی علیه السلام فرمود: «هر چه به او دادیم به تو نیز می‌دهیم.»

آن حضرت به همه افراد سه دینار داد؛ بی‌آنکه بین آنها فرقی بگذارد. افرادی چون: طلحه، زبیر، عبدالله بن عمر، سعید بن عاص، مروان، عده‌ای از قریش و ... با این روش مخالفت کردند و دنبال آن را گرفتند.<sup>۱</sup> آنها که به سبب موقعیت مصنوعی خود، از عثمان، چندین برابر بیش‌تر از دیگران می‌گرفتند، از این تقسیم عادلانه علی علیه السلام به خشم آمدند. سپس با هم به خلوت نشستند و ساز مخالفت با علی علیه السلام را نواختند. این روش و زمزمه به گوش آن امام همام رسید. آن بزرگمرد الهی در پاسخ آنها و کسانی که چنین می‌اندیشیدند، فرمود: «به خدا سوگند! اگر بخشیده‌های

۱. بیت المال در نهج البلاغه، حسین نوری،

انتشارات بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۷۶ ش. ص ۴۸

برکنار می‌کرد. برای نمونه به چند مورد ذیل اشاره می‌شود:

۱. از نمونه موارد قاطعیست علی علیه السلام درباره کارگزاران، نامه‌ای است که به زیاد بن ابیه نوشته است. آن حضرت در آن نامه فرموده است: «به خدا سوگند یاد می‌کنم، سوگندی راستین، که اگر به من خبر رسد که در ثروت مسلمانان خیانت کرده‌ای، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت بگیرم که مالت بسیار اندک شود، و بار هزینة عیال بر دوشت سنگینی کند و خوار و پریشان حال شوی. والسلام»<sup>۱</sup>

۲. همچنین وارد شده است که وقتی امام علی علیه السلام خیانت ابن هرمة، مأمور بازار اهواز را دریافت، به رفاعه چنین نوشت: «هنگامی که نامه‌ام را خواندی، ابن هرمة را از بازار برکنار کن و او را به خاطر [حقوق] مردم از کار، باز دار و سپس زندانی و خبر آن را اعلان عمومی کن و به کارگزارانت

بنویس و نظرم را به آنان ابلاغ کن. درباره ابن هرمة، غفلت یا کوتاهی نکنی که نزد خداوند، هلاک شوی و من هم تو را به بدترین شیوه برکنار خواهم کرد که از این کار، تو را به خدا پناه می‌دهم. هنگامی که جمعه شد، او را از زندان بیرون بیاور و ۳۵ تازیانه بر او بزن و در بازارها بچرخان. اگر کسی از او شکایت کرد و شاهد آورد، او را سوگند ده و از درآمد ابن هرمة آن را پرداخت کن. فرمان بده تا او را با خواری و زشتی و فریاد کشیدن بر سرش، به زندان ببرند. با طنابی پاهایش را ببند و وقت نماز او را بیرون آور. اگر کسی برایش غذا، آشامیدنی، لباس و زیراندازی آورد، مانع مشو. مگذار کسی بر او وارد شود تا به او چاره‌ای تلقین کند یا وی را به آزادی امیدوار سازد. اگر برایت روشن شد که کسی مطلبی را به او القا کرده است که به مسلمانی زیان می‌رساند، او را با تازیانه تأدیب و زندانی کن تا توبه کند. شبها

زندانیان را برای هواخوری به حیاط زندان بیاور؛ جز این هر مه راه؛ مگر آنکه ترس از تلف شدنش باشد که او را نیز شبها آزاد بگذار. اگر در او طاقت و توان دیدی، پس از سی روز، ۳۵ تازیانه دیگر، افزون بر ۳۵ تازیانه قبلی بر او بزن. برای من گزارش کارت را در بازار بنویس و اینکه چه کسی را پس از آن خائن برگزیدی. حقوق ابن هر مه خائن را هم قطع کن.<sup>۱</sup>

۴. گماشتن دیسده بان برای کارگزاران از دیگر کارهایی بود که علی علیه السلام برای عدالت پیشگی فرمانداران خود انجام می داد. طبق فرمایش خود حضرت، وی، این کار را برای آن می کرد که فرمانداران، عدالت را بهتر برای مردم اجرا کنند و حق آنها را پایمال نکنند. امام علی علیه السلام در عهدنامه اش به مالک اشتر نوشت: «آن گاه در امر کارگزارانت بنگر و آنان را با آزمودن، به کار گیر ... و رفتار آنان را واریسی کن. دیده بانانی

۳. همچنین نقل شده است که علی علیه السلام اشعث بن قیس را احضار کرد. وی از سوی عثمان، فرماندار آذربایجان بود و صد هزار درهم به دست آورد. برخی گویند که عثمان آن را به وی بخشید و برخی دیگر گویند که آن را در کارش به دست آورد. امام علی علیه السلام فرمان داد که آن را آماده سازد؛ ولی وی سرباز زد و گفت: «ای امیرمؤمنان! این ثروت را در دوران حکومت تو به دست

۱. دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۵۲۲.

صداقت پیشه و وفادار به سویشان گسیل دار؛ چرا که واری پنهانی، آنان را به امانتداری و ملایمت با شهروندان واری دارد؛ اگر یکی از آنها دست به خیانتی زد و گزارش دیده بانان تو آن را تأیید کرد، به این گواه، بسنده کن و کیفر او را با تنبیه بدنی، بدو برسان و آنچه را به دست آورده است، از او بستان. پس او را خوار بدار و خیانتکار شمار و طوق بدناری را در گردنش بیاویز.<sup>۱</sup>

#### وظیفه ما در برابر بی عدالتی

با عنایت به سیره و کلام امیرمؤمنان علیه السلام آیا در برابر بی عدالتی در جامعه وظیفه ای داریم؟ آری. وظایفی داریم و نخستین و کمترین وظیفه ما، احساس همدردی با مظلوم است.

آن حضرت در این باره می فرماید:  
«وَلَقَدْ بَلَّغْنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ وَالْآخَرَى الْمُعَاهِدَةَ فَيَنْتَرِعُ حَيْضَهَا وَقَلْبَهَا وَقَلْبَئِذَا وَرُغْنَهَا مَا تَمْتَنِعُ مِنْهُ إِلَّا بِالِاسْتِرْجَاعِ وَالِاسْتِرْحَامِ ...»

فَلَوْ أَنَّ امْرَأً مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفًا مَا كَانَ بِهٍ مَلُومًا بَلْ كَانَ بِهٍ عِنْدِي جَدِيرًا؛<sup>۲</sup>  
به من خیر رسیده است که یکی از آنان (اهل شام) به خانه زن مسلمان و زن غیر مسلمانی وارد شده است که جان و مالش در پناه اسلام محفوظ بوده و خلخال، دستبند، گردن بند و گوشواره های آنها را از تنشان بیرون آورده است؛ در حالی که هیچ وسیله ای برای دفاع جز گریه و التماس کردن نداشته اند... اگر مسلمانی برای این حادثه، از روی تأسف بمیرد، ملامت نخواهد شد، و از نظر من سزاوار است.<sup>۳</sup>

وظیفه دیگر ما، قرار گرفتن در کنار مظلوم، علیه ظالم در حدّ توان است. امام علیه السلام در آخرین وصیتش به امام حسن و امام حسین علیه السلام فرمود:  
«كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَرَفًا؛<sup>۴</sup>  
دشمن [سرسخت] ظالم، و یاور [و همکار] مظلوم باشید.»

۲. همان، خطبه ۲۷.

۳. همان، نامه ۴۷.

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

خلافت می فرماید، برای تحقق عدالت اجتماعی و مبارزه با ستم، کوشش کنیم؛ چنان که حضرت علیه السلام می فرماید: «وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَلَّا يَقَارُوا عَلَى كَيْفَةٍ ظَالِمٍ وَلَا سَقَبٍ مَظْلُومٍ؛<sup>۱</sup> خداوند پیمانی از علما و دانشمندان [هر جامعه] گرفته است که در برابر شکمخواری ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان، سکوت نکنند.»

آنچه لازم است در پایان این مقاله تذکر داده شود، لزوم الگو قرار دادن امیرمؤمنان در تمام شئون و عرصه‌های زندگی، به ویژه عدالت‌خواهی و عدالت‌جویی است. مسئولان حاکم در جامعه ما باید به این نکته توجه داشته باشند که تنها در سایه عدالت و عنایت است که می‌توان رشد و بالندگی را در جامعه انتظار داشت؛ هر چند رسیدن به این مرتبه، همشی عالی، عزمی قوی و اراده‌ای پولادین می‌طلبد که دور از دسترس نیست.

جامعه‌ای که عدالت در آن برپا نیست، فاقد حیات انسانی و زندگانی معنوی است و دیانتی که در آن اهتمام به برقراری عدالت نیست، مایه گمراهی است و حکومتی که عدالت، هدف آن نیست و در راه برقراری عدالتی همه جانبه و فراگیر گام نمی‌زند، در مسیر هلاکت است؛ زیرا اصلاح دین و دنیای مردمان به وسیله عدالت، ممکن است

همچنین وظیفه داریم طبق فرمایش امیرمؤمنان علیه السلام که پیش از خلافت خود درباره علت قبول